



تحلیل موانع آموزش اثربخش درس «کارگاه کارآفرینی و تولید» در پایه دوم متوسطه نظری

Analysis of the Barriers to Effective Teaching of "Entrepreneurship and Production Workshop" in the 2nd Grade Secondary School

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۷

N. Naderi (PH.D)  
B. Solrymani (PH.D)

بیژن رضایی<sup>۲</sup>

نادر نادری<sup>۱</sup>

M. Soleymani

S. Rostami

سحر رستمی<sup>۴</sup>

معین سلیمانی<sup>۳</sup>

**Abstract:** The present study was conducted with the aim of analyzing the barriers for effective teaching of the lesson "Entrepreneurship and Production Workshop" in the 2nd grade secondary school. The approach that was taken in this research included a combination of sequential-exploratory type which was used in the qualitative part of the systematic approach to the Grounded Theory method and in the quantitative part of the descriptive-survey method. The data collection tool in the qualitative section included a semi-structured interview and document review and a small part of the researcher's questionnaire. The data from the interviews in the qualitative section were analyzed by open, axial and selective coding and prioritized in the quantitative section with Friedman's test. The results of this research showed that the causal factors (including weaknesses in the entrepreneurial structures of the country, the weakness of the managerial structure of education, the weakness of the educational planning, etc.) could reduce the effectiveness of the training course in the workshops of Entrepreneurship and Production course, which reveals the poor function of Educational system in supporting teachers for this lesson, inadequate in-service training courses, inadequate teacher training in entrepreneurial lessons, inappropriate advertising and conflicts with the development of entrepreneurship culture in the mass media, weakness in the use of appropriate evaluation methods in order to face the consequences, which have caused negative consequences in the short and long terms.

**Keywords:** entrepreneurship education, Entrepreneurship and Production workshop, schools, barriers

چکیده: مقاله حاضر با هدف تحلیل موانع و مشکلات آموزش اثربخش درس «کارگاه کارآفرینی و تولید» در پایه دوم متوسطه نظری انجام شد. رویکرد حاکم بر این پژوهش، آمیخته از نوع متوالی-اکتشافی است که در بخش کیفی از رهیافت نظام‌مند روش نظریه بنیانی و در بخش کمی از روش توصیفی-پیمایشی بهره گرفته شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی شامل مصاحبه نیمه‌ساختارمند و بررسی اسناد و در بخش کمی پرسشنامه محقق‌ساخته بود. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها در بخش کیفی از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی، تجزیه و تحلیل و در بخش کمی با آزمون فریدمن اولویت‌بندی شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که عوامل علی (شامل ضعف موجود در ساختارهای کارآفرینانه کشور، ضعف ساختار مدیریتی آموزش و پرورش، ضعف موجود در برنامه‌ریزی آموزشی و ...) باعث پایین آمدن اثربخشی آموزش درس کارگاه کارآفرینی و تولید شده است، که عملکرد ضعیف آموزش و پرورش در حمایت از درس کارگاه کارآفرینی و تولید، برگزاری دوره‌های ضمن خدمت نامناسب، تأمین معلم درس کارآفرینی به شیوه نامناسب، تبلیغات نامناسب و مغایر با توسعه فرهنگ کارآفرینی در رسانه‌های ارتباط جمعی، ضعف در استفاده از روش‌های مناسب ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان به عنوان کنش‌های صورت گرفته از این پدیده، موجب پیامدهای منفی در کوتاه‌مدت و بلندمدت شده است.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش کارآفرینی، کارگاه کارآفرینی و تولید، مدارس، موانع آموزش کارآفرینی.

naderi\_ksh@yahoo.com

۱. استادیار گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

rezaee61@yahoo.com

۲. استادیار گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

ms.moein@outlook.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی کرمانشاه (نویسنده مسئول)

saharrostami475@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین



## مقدمه

امروزه کارآفرینی به عنوان عامل پیشرفت در چرخه اقتصادی کشورها شناخته می‌شود و در اقتصادهای مدرن و پیشرفته، به عنوان یک اصل مهم و غیرقابل انکار به شمار می‌آید (سانا و اندرسون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). بر پایه پژوهش‌های انجام‌شده، کارآفرینی یک رفتار ارادی برنامه‌ریزی شده است که می‌تواند کارایی اقتصادی را افزایش دهد، نوآوری را به بازار آورد، دانش نوین را به خدمات و محصولات جدید تبدیل و شغل‌های جدیدی ایجاد کند و بدین ترتیب سطح اشتغال در جامعه را بهبود بخشد (شین و ونکترامن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰؛ شین، ادوارد، چلتنهام<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳). بر این مبنای دهه گذشته، بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، کارآفرینی را یک راهکار اساسی و بالقوه برای رفع چالش‌های مختلف پیش‌روی کشور از جمله کمبود کارایی در اقتصاد، افزایش نرخ بیکاری، شمار بیش‌ازاندازه دانش‌آموختگان و ناتوانی بخش خصوصی و دولتی در ایجاد شغل برای آنان، دانسته‌اند (کریمی، چیزری، بیمناس و مولدر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰). مضاف بر این، اشخاص فارغ از گزینه شغل یا وضعیت شخصی، بایستی قادر به بهره‌مندی از فراگیری رهیافت نوآورانه برای حل مسئله، سازگاری سریع‌تر با تغییرات، خوداتکایی بیشتر و توسعه خلاقیت خود از طریق مطالعه کارآفرینی باشند (خسروی‌پور و سلیمان‌پور، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر بیشتر بررسی‌های انجام‌شده بیانگر آن است که کارآفرینی و یا دست‌کم بخش‌های مشخصی از آن، قابل آموزش بوده و می‌توان گفت که آموزش کارآفرینی می‌تواند نقش کلیدی و قابل توجهی در توسعه نگرش‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه داشته باشد (لپوشیتز، کوپن‌اشتاینر، لب‌براجر، هلن‌اشتاینر و مردان<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸). تحقیقات علمی بین آموزش کارآفرینی و قصد کارآفرینی رابطه‌ای مثبت را نشان می‌دهد (پوتیشاک و کراتزر<sup>۶</sup>، ۲۰۱۷).

- 
1. Sana And Anderson
  2. Shane And Venkataraman
  3. Shane, Edward & Cheltneham
  4. Karimi, Chizari, Biemans, & Mulder
  5. Lepuschitz, Koppensteiner, Leeb-Bracher, Hollnsteiner & Merdan
  6. Potishuk And Kratzer

مارش، هارمز، کیلر و ویمرورم<sup>۱</sup>، (۲۰۱۶)، این عامل بر سطح گرایش‌ها، فعالیت‌ها و اشتیاق کارآفرینانه تأثیر می‌گذارد (آراستی، حیدری و مبارکی، ۱۳۹۳). آموزش کارآفرینی شامل فعالیت‌هایی با هدف تقویت ذهنیت، نگرش‌ها و مهارت‌های کارآفرینی است و گستره‌ای از مخاطبان، هدف‌ها، محتوا و روش‌های آموزشی را در برمی‌گیرد (آراستی، کیانی و ایمان‌پور<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲) و دستاوردهای آن شامل قدرت حل مسئله، قدرت تصمیم‌گیری، تفکر انتقادی، شرکت در کار گروهی، روابط انسانی مؤثر، استفاده صحیح از زمان، معرفی محصولات خلاقانه و جدید، استفاده صحیح از منابع و غیره است (گون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹: ۱۷). بنابراین امروزه آموزش کارآفرینی به عنوان یکی از اساسی‌ترین فعالیت‌ها در نظام‌های آموزشی کشورهای پیشرفته تبدیل شده است (مرتضی‌نژاد، عطاران، حسینی‌خواه و عباسی، ۱۳۹۶). آموزش کارآفرینی در مدارس، می‌تواند کارآفرینی را به عنوان ایجادکننده یک جایگاه شغلی پایدار در آینده دانش‌آموزان تبیین کند و فرهنگ کارآفرینی را در میان آنان توسعه دهد (یوهانیسون<sup>۴</sup>، ۱۹۹۱، کِرکلی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۷). در واقع توجه صرف به کارآفرینی و کارآفرینان باعث کاهش بیکاری و افزایش خوداشتغالی نمی‌شود، بلکه آموزش صحیح کارآفرینی به‌خصوص در مدارس ارزشمند است، زیرا شاکله شخصیتی دانش‌آموزان در آنجا شکل می‌گیرد (استیری، ۱۳۸۹: ۸۷). همچنین به دلیل ارتباط بین آموزش کارآفرینی و سیستم‌های اقتصادی هر کشور، ایجاد و تقویت ویژگی‌های کارآفرینانه در افراد، به یکی از مأموریت‌های تحمیل‌شده برای نظام آموزش و پرورش تبدیل شده است (حقیقی، محمودی و بیژنی<sup>۶</sup>، ۲۰۱۸). به بیان دیگر آموزش و پرورش پرورش با ارائه آموزش‌های لازم در زمان مناسب علاوه بر انتقال اطلاعات و مفاهیم کارآفرینی به دانش‌آموزان، زمینه رشد بسیاری از خصوصیات و مهارت‌های لازم برای کارآفرینی را در آن‌ها فراهم می‌کند (عارفی، فتحی‌واجارگاه و نساج، ۱۳۸۹). در جریان دوره‌های کارآفرینی دانش‌آموزان فرصت‌هایی برای موفقیت و ابراز خود پیدا می‌کنند که این تجربیات جدید، خود

1. Maresch, Harms, Kailer & Wimmer-Wurm
  2. Arasti, Kiani & Imanipour
  3. Guven
  4. Johannisson
  5. Kirkley
  6. Haghghi, Mahmoudi And Bijani
- ۱۳۷

سرچشمه احساس خودکارآمدی در آن‌ها می‌شود (ستیان، ۲۰۱۳: ۲۱) و درنهایت کارآفرین موفق، در سایه برنامه‌های آموزش کارآفرینی پرورش می‌یابد، چراکه آموزش اصولی موجب می‌شود دانش‌آموزان بهتر یاد بگیرند و بتوانند بین آنچه یاد می‌گیرند و اینکه چگونه از آن آموخته‌ها استفاده کنند، ارتباط برقرار کنند (کوتوی، بودواسا و لوسیا، ۲۰۱۱: ۴۶).

اگرچه در دو دهه گذشته تحولات قابل توجهی در ساختار و عملکرد سیستم آموزشی ایران صورت گرفته است، و موضوع آموزش کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش کشور ما نیز مطرح شد (حقیقی، محمودی و بیژنی، ۲۰۱۸)؛ ولی نتایج مطالعات نشان می‌دهد که هنوز مشکلات زیادی در آموزش کارآفرینی وجود دارد از جمله: پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری برای آموزش کارآفرینی، عدم توجه به ابعاد مختلف توسعه و آموزش کارآفرینی، توجه کم به آموزش عملی، عدم تطابق محتوای برنامه‌های درسی با شرایط و نیازهای بازار کار و همچنین عدم توانایی در ایجاد کار به‌وسیله فارغ‌التحصیلان (حقیقی، محمودی و بیژنی، ۲۰۱۸). در چند سال اخیر نیز، برای آموزش کارآفرینی در مدارس مقطع متوسطه و هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای کتاب کارآفرینی، تدوین و آموزش داده شد. در شهریورماه سال ۱۳۹۵ آموزش کارآفرینی با عنوان «کارگاه کارآفرینی و تولید» به شاخه نظری که بزرگترین جزء ساختار آموزشی دوره متوسطه است و چهار رشته ریاضی- فیزیک، ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی، و علوم و معارف اسلامی را دربر می‌گیرد، وارد شد. در این درس دانش‌آموزان با مباحثی همچون کارهای تیمی، تصمیم‌گیری‌های مثبت، موفق شدن در کارهای گروهی، نوآوری‌ها، توسعه خلاقیت فردی و تیمی، تعیین نوع کسب‌وکار، مشتری‌شناسی، شریک‌یابی، برآورد هزینه، ارتباط با مشتریان و درآمدزایی، تهیه برنامه مالی و زمان‌بندی، برنامه‌های بازاریابی و ... آشنا می‌شوند.

در این راستا به‌منظور افزایش اثربخشی آموزش کارآفرینی، لازم است که عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی مورد تحلیل قرار گیرند و بهبود یابند (بیون، سونگ، پارک و چوی، ۲۰۱۸). بنابراین، شناسایی موانع آموزش کارآفرینی و برنامه‌ریزی برای رفع موانع آموزشی

1. Setiwan
2. Cotoi, Bodoasca & Lucia
3. Byun, Sung, Park And Choi

می‌توانند اثربخشی آموزش کارآفرینی را افزایش دهد (هان و کو، ۲۰۰۷؛ جانگ و مین، ۲۰۰۸). با توجه به سال‌های ابتدایی تدریس این درس، در شاخه نظری، به نظر می‌رسد انجام این پژوهش در جهت واکاوی موانع و مشکلات آموزش اثربخش کارآفرینی برای دانش‌آموزان که آینده‌سازان این مرز و بوم هستند و تلاش در جهت فراهم آوردن زمینه مناسب برای تغییر نگرش آنان که منجر به شکل‌گیری رفتار کارآفرینانه از سوی آن‌ها در آینده نزدیک شود بسیار لازم و ضروری است. نتایج حاصل از این پژوهش برای سازمان آموزش و پرورش، مدارس، مربیان کارآفرینی، مشاوران، دانش‌آموزان، دانشجویان و تمام کسانی که به‌نوعی با آموزش کارآفرینی در ارتباط هستند قابل بهره‌برداری است. بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده و اهمیت فوق‌العاده کارآفرینی و آموزش کارآفرینان و ضرورت توسعه آن در کشور، مطالعه در خصوص جنبه‌های ناشناخته این موضوع اهمیت شایانی دارد و می‌تواند راه‌گشای فعالیت‌های آتی نظام آموزشی باشد. از این‌رو در این پژوهش به بررسی موانع آموزش اثربخش درس «کارگاه کارآفرینی و تولید» در پایه دوم متوسطه، شاخه نظری پرداخته شد.

#### بررسی پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه، به چند مورد از تحقیقاتی که قرابت موضوعی و مفهومی - نظری با پژوهش حاضر دارند اشاره می‌شود:

رضوی، فلاح‌حقیقی، رضوانفر و کلانتری (۱۳۹۱) موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران را مورد بررسی قرار داده و آن‌ها را به پنج عامل طبقه‌بندی کرده‌اند: موانع آموزشی، موانع فردی - شخصیتی، موانع حمایتی - قانونی، موانع تسهیلاتی و موانع ارتباطی. نتایج مطالعه نشان داد که در میان تمام موانع شناسایی شده، موانع آموزشی دارای بیشترین درصد واریانس تعیین شده بود. این موانع شامل فقدان محتوای آموزشی و مواد آموزشی به‌روز شده، تأکید بیش‌ازحد بر دروس نظری، عدم ارتباط سیستماتیک و هدفمند مطالب آموزشی با هم، عدم آموزش مهارت‌های لازم برای شروع کار، استفاده از روش‌های سنتی و غیرتعاملی و عدم وجود روش آموزش مشارکتی، است. محمدزاده و صدیقی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان



«شناسایی موانع آموزش کارآفرینی در مراکز آموزش کشاورزی (مطالعه موردی: مرکز آموزش کشاورزی شهرستان میاندوآب)»، نبود تعامل میان دانشگاه و بنگاه‌های کارآفرین، عدم استفاده از مدرسان متخصص و همچنین ضعف در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی را به‌عنوان مهمترین موانع آموزش کارآفرینی شناسایی کردند. رحمانیان کوشککی، چیدری و عباسی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «تحلیل موانع فراروی آموزش‌های کارآفرینی در مراکز آموزش علمی کاربردی کشاورزی» نتیجه گرفتند، ضعف خدمات مشاوره‌ای و حمایتی، ناکافی بودن آموزش‌های کاربردی، ضعف شناخت قوانین مالی و مدیریتی و ضعف برنامه‌ریزی آموزشی، موانع فراروی آموزش کارآفرینی در مراکز علمی کاربردی استان فارس است. حسینی‌نیا و موسوی (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها، روش‌ها و چالش‌ها»، نتیجه گرفتند که اصلاح محتوای آموزشی، ایجاد تمایل و تعهد به ایجاد کسب‌وکار، افزایش شایستگی‌های کارآفرینانه و استفاده از کارآفرینان به‌عنوان مدرس الزامی است. آن‌آچوکو<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «مسائل و چالش‌ها در توسعه آموزش کارآفرینی در نیجریه» نشان داد که مهمترین چالش در توسعه آموزش کارآفرینی نیاز به یک چارچوب سیاست‌گذاری مشخص برای جوانان کارآفرین است و سایر چالش‌ها را کمبود بودجه، کمبود نیروی انسانی ماهر در آموزش و پرورش و نگرش به کارآفرینی می‌داند. یعقوبی (۲۰۱۰) موانع توسعه و پیشرفت کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی ایران را مورد بررسی قرار داد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که موانع اصلی توسعه کارآفرینی در این بخش شامل افزایش بیش‌ازحد دانشکده‌ها بدون در نظر گرفتن کیفیت آموزش، عدم همبستگی بین محتوای آموزشی و نیازهای بازار کار، استفاده از روش‌های آموزش سنتی متناقض با منافع دانش‌آموزان، و همچنین عدم توجه کافی به تناسب بین یادگیری مهارت‌های علمی و عملی، است. در مطالعه‌ای لیما، لویز، ماریا، نسیف و داسیلوا<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) تعداد محدود دوره‌های مربوط به توسعه مهارت‌های کارآفرینی برای دانشجویان، کمبود دانش و مهارت‌های مورد نیاز استادان و مدرسان برای آموزش کارآفرینی، فقدان کارآفرینان موفق در دانشگاه‌ها، عدم وجود اوراق قرضه بین

1. Unachukwu

2. Lima, Lopes, Maria, Nassif And Da Silva

دانشجویان و کارآفرینان برای یادگیری در مورد واقعی زمینه کارآفرینی، استفاده بیش از حد رویکردهای نظری در آموزش کارآفرینی و تعداد کم دوره‌های ارائه شده در زمینه‌های مختلف کارآفرینی در برنامه‌های درسی را به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌های نظام آموزش عالی برزیل برای توسعه کارآفرینی بیان کردند. در مطالعه‌ای درباره استراتژی‌ها، ساختارها و فعالیت‌های مرتبط با توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی آلمان شرقی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۱</sup> (۲۰۱۶)، برخی از چالش‌های پیش روی سیستم آموزشی برای توسعه بیشتر کارآفرینی شامل این موارد معرفی کرد: روش‌های تدریس نامناسب در برنامه‌های آموزش کارآفرینی، کم بودن میزان مشارکت و استفاده از الگوهای نقش و کارآفرینان موفق در دانشگاه‌ها، مشارکت کم فارغ‌التحصیلان کارآفرینی، حامیان و مشاوران راه‌اندازی کسب‌وکار در برنامه‌های آموزشی، و نیز وابستگی بیش از حد به بودجه دولتی برای فعالیت‌های کارآفرینی. حقیقی، محمودی و بیژنی (۲۰۱۸) نیز در پژوهشی با هدف شناسایی موانع توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی ایران، پنج مانع اصلی را شناسایی کردند: ۱- عدم علاقه، انگیزه و تخصص برای آموزش و توسعه کارآفرینی در دانشگاه؛ ۲- ضعف در برنامه‌ریزی آموزشی؛ ۳- مدیریت ضعیف و فقدان مکانیسم مناسب برای ایجاد شرایط مطلوب کارآفرینی در دانشگاه؛ ۴- کمبود و ضعف ساختاری در روابط با سایر بخش‌های اقتصادی؛ ۵- فرهنگ ضعیف کارآفرینی.

بررسی پیشینه‌های تجربی پژوهش بیانگر آن است که اکثر پژوهش‌های انجام شده، علاوه بر آن‌که به‌طور مستقیم از نظر پدیده و مسئله مورد بررسی با مطالعه حاضر متفاوت هستند، از نظر زمینه نیز بیشتر به نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها توجه کرده‌اند و کمتر به مدارس متوسطه توجه شده است. از طرفی اکثر تحقیقات انجام شده به صورت کامل همه موانع آموزش اثربخش کارآفرینی را مورد توجه قرار نداده‌اند و پژوهش حاضر با مبنا قرار دادن مدل پارادایمیک نظریه‌مبنایی و روش توصیفی-پیمایشی درصدد شناسایی تمام موانع آموزش اثربخش درس مذکور به ترتیب اهمیت برآمده است. بر این اساس، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به دو پرسش است:

---

1. Oecd (Organization For Economic Cooperation And Development)



- سؤال اول: چه عواملی موجب پایین آمدن اثربخشی آموزش درس «کارگاه کارآفرینی و تولید» در پایه دوم متوسطه نظری می‌شود؟
- سؤال دوم: ترتیب اهمیت موانع آموزش اثربخش درس «کارگاه کارآفرینی و تولید» در پایه دوم متوسطه نظری به چه صورت است؟

### روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از رویکرد آمیخته (کیفی - کمی)، از نوع متوالی - اکتشافی استفاده شده است که در بخش کیفی از روش نظریه بنیانی با رهیافت نظام‌مند و در بخش کمی از روش توصیفی - پیمایشی استفاده شد. نظریه بنیانی یک شیوه استقرایی کیفی برای کشف نظریه است که این امکان را برای پژوهشگران فراهم می‌آورد تا گزارشی به صورت نظریه از ویژگی‌های عمومی موضوع پرورش دهد، به طوری که این نظریه در یک سطح وسیع، یک فرآیند، عمل یا تعامل را تبیین می‌کند (مارتین و تورنر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶). از طرفی، تئوری بنیانی علاوه بر اینکه یک روش تحقیق است، می‌تواند روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز باشد (اوسولیان<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸). در پژوهش حاضر، هدف از به کارگیری تئوری بنیانی فقط به عنوان یک روش تحقیق که به ارائه یک نظریه منجر شود مطرح نبود، بلکه به کارگیری این روش به منظور تحلیل، کدگذاری و دسته‌بندی داده‌های مرتبط با پدیده اصلی نیز مطرح بود (گلایزر و استراوس<sup>۳</sup>، ۱۹۷۸؛ استراوس و کربین<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸؛ کربین<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴). همچنین پژوهش حاضر از نظر افق زمانی از نوع طرح تحقیقات تک مقطعی است. برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی - میدانی استفاده شد. در روش میدانی برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز از ابزار مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته<sup>۶</sup> بهره گرفته شد. مدت زمان مصاحبه‌ها به طور میانگین ۴۰ دقیقه بود که با اخذ وقت قبلی و هماهنگی صورت گرفت. به منظور نمونه‌گیری، در بخش کیفی از روش نمونه‌گیری هدفمند<sup>۷</sup>

1. Martin And Turner
2. O'sullivan
3. Glaser And Strauss
4. Strauss & Corbin
5. Corbin
6. Semi-Structured
7. Purposeful Sampling



و گلوله‌برفی با ۱۵ نفر طبق جدول ۱ مصاحبه به عمل آمد. نمونه‌گیری در بخش کیفی تا رسیدن به اشباع نظری<sup>۱</sup> ادامه یافت. اشباع نظری قضاوتی است که پژوهشگر بر اساس آن تصمیم می‌گیرد که نیاز به جمع‌آوری اطلاعات بیشتر وجود ندارد و اطلاعات جدیدی که به تعریف خصوصیات طبقات کمک کند به پژوهش وارد نمی‌شود (رنجبر، حق‌دوست، صلصالی، خوش‌دل، سلیمانی و بهرامی، ۱۳۹۱). اشباع داده‌ها با انجام ۱۲ مصاحبه حاصل شد، اما برای اطمینان بیشتر و تأیید یافته‌ها تا نفر پانزدهم مصاحبه‌ها ادامه یافت. بر اساس رهیافت نظام‌مند<sup>۲</sup> نظریه بنیانی، روند تجزیه و تحلیل حاصل از پژوهش، هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها در سه مرحله انجام گرفت: کدگذاری باز<sup>۳</sup>، کدگذاری محوری<sup>۴</sup>، کدگذاری انتخابی<sup>۵</sup>. در مرحله کدگذاری باز، با مراجعه به کدهای اولیه استخراج‌شده از مصاحبه‌ها (کدگذاری نکات کلیدی)، کدهایی که به موضوعی مشترک اشاره داشتند، گروه‌بندی شدند و مفاهیم را ساختند و از مقایسه و طبقه‌بندی آن‌ها نیز مقوله‌ها تعیین شدند. در مرحله کدگذاری محوری، به‌منظور مرتبط کردن مقوله‌های اصلی به مقوله‌های فرعی، از الگوی پارادایمی استفاده شد تا شرایط علی، پدیده محوری، عوامل زمینه‌ای، متغیرهای مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها که اجزای کدگذاری محوری هستند، مشخص شوند. رویکرد پارادایمیک نظریه‌مبنایی چشم‌اندازی برای نگرستن به داده‌ها فراهم می‌کند که به گردآوری و نظم دادن به داده‌ها کمک می‌کند، به‌نحوی که ساختار و فرآیند داده‌ها با هم در پیوستگی بماند و از گسستگی داده‌ها جلوگیری می‌کند (استراوس و کرین، ۱۳۹۰). پس از کدگذاری محوری، از طریق کدگذاری انتخابی و بر اساس الگوی ارتباط شناسایی شده بین مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها در کدگذاری باز و محوری، مقوله‌ها به هم مرتبط شدند و نظام نظری مربوط ارائه شد (کرسول<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵). به‌منظور بررسی قابلیت اعتبار پژوهش در بخش کیفی از روش «مثلث‌سازی تیم پژوهش»، «درگیری طولانی‌مدت و مشاهده مداوم»، «انتخاب نمونه‌های مناسب»، «جمع‌آوری و تحلیل هم‌زمان

1. Theoretical Saturation
2. The Systematic Design
3. Open Coding
4. Axial Coding
5. Selective Coding
6. Creswell

داده‌ها» و «بازنگری مشارکت‌کنندگان» بهره گرفته شد. مثلث‌سازی تیم پژوهش شامل سه مورد: اجماع داده‌ها، اجماع پژوهشگران و اجماع روش‌ها است، که در پژوهش حاضر تلاش گردید که بیش از یک مشاهده‌گر، مصاحبه‌گر و تحلیلگر برای کاهش سوگیری در جمع‌آوری، گزارش‌دهی، کدگذاری و تحلیل داده‌ها به کار برده شود و اطلاعات از منابع مختلف مانند بررسی اسناد و مدارک و مصاحبه با افراد مختلف و متخصص در این حوزه به عمل آید.

جدول ۱- مشخصات مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی پژوهش

عنوان	تعداد	سن مشارکت‌کنندگان	زمان مصاحبه‌ها	دوره زمانی مصاحبه‌ها
عضو هیئت علمی دانشگاه (مرتبط با کارآفرینی)	۵	۲۹ تا ۵۶ سال	۲۷ تا ۷۱ دقیقه	۱۵ شهریورماه تا ۵ آذرماه ۱۳۹۷
معلم درس کارآفرینی در شاخه‌های نظری و فنی و حرفه‌ای	۶			
کارشناس گروه‌های آموزشی آموزش و پرورش	۱			
مدیر دبیرستان	۱			
بنیان‌گذار رویداد کارآفرینی دانش‌آموزی	۱			
عضو و مشاور در پارک علم و فناوری	۱			
مجموع/ میانگین	۱۵	۴۱ سال	۴۰ دقیقه	۸۱ روز

(منبع: یافته‌های پژوهش)

در بخش کمی نیز از یافته‌های حاصل از بخش کیفی پژوهش، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته با استفاده از طیف ارزش‌گذاری لیکرت طراحی گردید که روایی محتوایی آن توسط اساتید گروه مدیریت و کارآفرینی دانشگاه رازی مورد تأیید قرار گرفت. با توجه به تخصصی بودن موضوع پژوهش، خبرگان و کارشناسان کارآفرینی آموزش و پرورش، اساتید دانشگاه و معلمان آموزش کارگاه کارآفرینی و تولید به‌عنوان جامعه آماری بخش کمی، انتخاب شدند که جزییات آن در جدول ۲ قابل مشاهده است. به‌منظور نمونه‌گیری در بخش کمی، به دلیل در دسترس نبودن تمام جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. به این صورت که تعداد ۳۱ پرسشنامه به‌صورت دستی و تعداد ۴۸ پرسشنامه به‌صورت الکترونیکی از

پاسخ‌دهندگان دریافت گردید و در نهایت، با بررسی به عمل آمده، ۷۶ پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. پس از جمع‌آوری و تکمیل پرسشنامه‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS25 انجام شد. به منظور اولویت‌بندی داده‌ها، در ابتدا با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، نرمال بودن توزیع داده‌ها بررسی گردید. اگر آزمون معنی‌دار باشد، یعنی  $p$  بزرگ‌تر از ۰/۰۵ باشد، به معنی این است که توزیع نرمال است و باید از آزمون پارامتریک استفاده کنیم و در غیر این صورت باید از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده کنیم. با توجه به نرمال نبودن داده‌ها از آزمون ناپارامتری فریدمن میزان اهمیت هر مفهوم معین و اولویت‌بندی گردید. آزمون فریدمن یک آزمون ناپارامتری است که پژوهشگران عموماً از این آزمون جهت رتبه‌بندی متغیرها استفاده می‌کنند.

جدول ۲- مشخصات نمونه در بخش کمی پژوهش

متغیر	بعد	فراوانی	درصد	متغیر	بعد	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۳۱	۵۹/۲	شغل	معلم کارآفرینی	۵۲	۶۸/۴
	زن	۴۵	۴۰/۸		سایر*	۲۴	۳۱/۶
تحصیلات	کارشناسی	۴۰	۵۲/۶	سن	۲۱-۳۰ سال	۱۶	۲۱
	کارشناسی ارشد	۲۴	۳۱/۶		۳۱-۴۰ سال	۴۶	۶۰/۶
	دکتری	۱۲	۱۵/۸		۴۱-۵۰ سال	۱۴	۱۸/۴

\* توضیحات: شامل عضو هیئت‌علمی - عضو و مشاور پارک علم و فناوری - عضو رویداد کارآفرینی دانش‌آموزی - محقق در حوزه آموزش کارآفرینی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

## یافته‌های پژوهش

### الف) کدگذاری باز:

کدگذاری باز شامل دو فعالیت کلیدی مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی است. طی کدگذاری باز، داده‌ها چندین بار مرور شدند و از طریق فهرست کردن نکات کلیدی بیان‌شده توسط

پاسخگویان، به هر نکته یک برجسب یا کد نسبت داده شد. محققین با مراجعه به کدهای استخراج شده از مصاحبه‌ها و با مطالعه عمیق متن مصاحبه‌ها، کدهایی را که به یک مفهوم اشاره داشتند و در یک طبقه قرار می‌گرفتند، در یک مفهوم قرار دادند و سپس مفاهیم مرتبط با یک مقوله را نیز در سطحی انتزاعی‌تر، در یک مقوله قرار دادند. در این مرحله، ۱۳۰ کد اولیه استخراج شده از نکات کلیدی مصاحبه‌ها، به ۶۵ مفهوم تبدیل شدند و از مقایسه و طبقه‌بندی مفاهیم ۲۱ مقوله تعیین شدند که به‌طور کامل در کدگذاری محوری تبیین شدند.

#### ب) کدگذاری محوری:

کدگذاری محوری مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه بنیانی است. هدف از این مرحله برقراری رابطه بین طبقه‌های تولید شده (در مرحله کدگذاری باز) است. این کار بر اساس مدل پارادایم انجام می‌شود و به نظریه پرداز کمک می‌کند تا فرآیند نظریه را به سهولت انجام دهد. در این مرحله، با بارها مطالعه و بررسی مجدد و فرایند رفت و برگشت بین مفاهیم و مقوله‌های مربوط، اجزای کدگذاری محوری به صورت زیر مشخص شدند:

۱- **شرایط علی:** شرایط علی بیان‌گر وقایع یا اتفاقاتی است که مستقیماً بر پدیده محوری تأثیر می‌گذارند و موجب وقوع یا توسعه آن می‌شوند. از بین مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها، ۳۵ کد باز و ۲۱ مفهوم در ۷ مقوله جزء شرایط علی قلمداد شدند. به‌منظور اولویت‌بندی عوامل تشکیل‌دهنده شرایط علی از آزمون فریدمن استفاده شد که با توجه به سطح معناداری این آزمون (۰/۰۰) با درجه آزادی ۲۰ می‌توان نتیجه گرفت که رتبه عوامل یکسان نبوده و می‌توان بین آن‌ها تمایز قائل شد که به شرح جدول ۳ نشان داده شده است.

مقوله اصلی	مقوله	مفهوم	میانگین رتبه	شماره رتبه
	ضعف موجود در ساختارهای کارآفرینانه کشور	عدم وجود اکوسیستم کارآفرینی مناسب در کشور	۱۲/۷۶	۶
		عدم حمایت مادی و معنوی دولت از کارآفرینان	۱۰/۳۴	۱۱
		عدم تناسب ساختارهای موجود با ارزش‌های کارآفرینانه	۷/۷۱	۲۰
	ضعف ساختار مدیریتی آموزش و پرورش	ضعف در سیستم مدیریت دانش در آموزش و پرورش جهت استخراج، به‌کارگیری و به اشتراک‌گذاری دانش موجود در میان معلمان و مدیران در حوزه آموزش کارآفرینی	۱۲/۳۳	۹
		عدم وجود سازوکارهای لازم در ساختار آموزش و پرورش جهت همکاری مؤثر با دانشگاه و صنعت	۱۲/۰۷	۱۰
		کند بودن مواجهه با تغییرات فناوری به علت وجود ساختار بوروکراتیک و پیچیده اداری در آموزش و پرورش	۷/۲۷	۱۷
تولید	ضعف موجود در برنامه‌ریزی آموزشی	عدم شروع آموزش کارآفرینی از دوران ابتدایی و یا حتی مهدکودک	۱۵/۷۶	۱
		عدم پیگیری درس کارآفرینی در پایه‌های بالاتر	۱۵/۷۲	۲
		اختیاری بودن تدریس درس «کارگاه کارآفرینی و تولید» در مدارس	۱۲/۴۷	۷
	کمبود نیروی متخصص کارآفرینی	کمبود نیروی انسانی متخصص در زمینه تدریس درس کارگاه کارآفرینی و تولید در آموزش و پرورش	۱۵/۱۰	۳
	ضعف موجود در محتوای کتاب درسی کارگاه کارآفرینی و تولید	کلی و پیچیده بودن بعضی از فصول کتاب برای دانش‌آموزان	۹/۴۱	۱۴
		عدم اختصاص یک فصل از کتاب به تناسب اکوسیستم کارآفرینی منطقه و شهر	۹/۰۸	۱۵
		وجود بعضی مطالب و فعالیت‌های غیرضروری در کتاب	۸/۰۷	۱۶
		منطقی نبودن ترتیب فصل‌های کتاب و عدم رعایت پیش‌نیاز در ترتیب فصل‌ها	۹/۱۴	۱۸

مقوله اصلی	مقوله	مفهوم	میانگین رتبه	شماره رتبه
		عدم اصلاح و بازنگری کتاب، با توجه به قرار داشتن در سال‌های ابتدایی تدریس این کتاب	۷/۲۹	۱۹
		توجه اندک به کارآفرینی مبتنی بر فناوری‌های نوین	۶/۴۹	۲۱
عدم آشنایی مدیران مدارس با ماهیت آموزش کارآفرینی	عدم آشنایی مدیران مدارس با ماهیت آموزش کارآفرینی	عدم آشنایی مدیران با محتوای درس کارآفرینی و روش تدریس مناسب آن و اهمیت این درس برای آینده دانش‌آموزان	۱۴/۵۶	۴
		تلاش مدیران مدارس برای برگزاری کلاس‌های مناسب کنکور دانش‌آموزان در راستای ارتقای میزان قبولی در کنکور و عملکرد مدرسه و کم‌اهمیت جلوه دادن درس کارآفرینی	۱۲/۳۹	۸
		اصرار مدیران به معلمان، برای گرفتن امتحان کتبی در پایان‌ترم	۹/۷۷	۱۳
عدم آشنایی مشاوران مدارس با دانش کارآفرینی	عدم آشنایی مشاوران مدارس با دانش کارآفرینی	عدم استفاده از مشاوران تحصیلی با اندیشه کارآفرینی در مدارس	۱۳/۸۰	۵
		عدم باور مشاوران کنونی به کارآفرینی و عدم نگرش مثبت آنان به این درس	۹/۴۷	۱۲

(منبع: یافته‌های پژوهش)

به‌عنوان نمونه، یکی از روایات مربوط به مفهوم «عدم شروع آموزش کارآفرینی از دوران ابتدایی و یا حتی مهدکودک»، در ادامه آمده است:

«مدارس، دانش‌آموزان را طوری تربیت می‌کنند که در آینده کارمندان خوبی شوند و معمولاً صحبتی از راه‌اندازی کسب‌وکار نمی‌شود. حتی شاید بتوان گفت در مدارس ابتدایی، کودکان را از تفکر کارآفرینی دلسرد می‌کنند. ویژگی‌های کارآفرینی مثل تمایل به ریسک و استقلال‌طلبی به‌طورکلی صفاتی منفی دانسته می‌شوند و به‌جای اینکه پرورش یابند سرکوب می‌گردند. شاید همه این‌ها به این علت باشد که خیلی دیر آموزش کارآفرینی را شروع کرده‌ایم، مسلماً اگر آموزش کارآفرینی از دوران ابتدایی وارد مدارس می‌شد، در حال حاضر با مشکلات کمتری روبه‌رو بودیم. کارآفرینی نیاز به خلاقیت، ریسک‌پذیری و هوشیاری دارد و پرورش این‌ها طی یک سال و با یک کتاب، به‌صورت ایده‌آل در دانش‌آموزان شکل نمی‌گیرد.»

۲- **پدیده اصلی:** پدیده اصلی همواره در داده‌ها ظاهر می‌شود و تمام مقوله‌های اصلی دیگر به آن مربوط می‌شود (کرین و استراوس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰). به عبارتی، پدیده اصلی ایده و فکر محوری پژوهش است (رستمی، علی‌آبادی و پاپزن، ۱۳۹۳) که در اکثر موارد از پرسش اصلی پژوهش منتج می‌شود (استراوس و کرین، ۱۳۹۰). در این پژوهش، پدیده اصلی «اثربخشی پایین آموزش درس کارگاه کارآفرینی و تولید در پایه دوم متوسطه نظری» است.

۳- **شرایط زمینه‌ای:** شرایط زمینه‌ای، مجموعه ویژگی‌های خاص مربوط به پدیده است و موقعیت‌هایی را ایجاد می‌کنند که افراد و سازمان‌ها تحت این موقعیت‌ها از خود کنش/ واکنش نشان می‌دهند. از بین مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده در این پژوهش، ۲۶ کد باز و ۱۴ مفهوم در ۴ مقوله جزء شرایط زمینه‌ای قلمداد شدند. سطح معناداری آزمون فریدمن با درجه آزادی ۱۳ برابر با ۰/۰۰ به دست آمد و بدان معناست که رتبه عوامل شرایط زمینه‌ای یکسان نبوده و می‌توان بین آن‌ها تمایز قائل شد. در جدول ۴ مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها برای شرایط زمینه‌ای نشان داده شده است.

جدول ۴- مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با شرایط زمینه‌ای و نتیجه آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی مفاهیم

مقوله اصلی	مقوله	مفهوم	میانگین رتبه	شماره رتبه	
شرایط زمینه‌ای	عدم تطابق محتوای آموزشی با فرهنگ حاکم بر جامعه	حاکم بودن جو پزشکی-مهندس- وکیل شدن برای دانش‌آموزان شاخه نظری	۹/۴۲	۲	
		عادت به تنبلی و آزمندی در جامعه	۶/۲۴	۱۱	
		ضعف فرهنگ ریسک‌پذیری متعادل در جامعه	۵/۹۷	۱۲	
	عدم وجود زیرساخت‌های آموزشی مرتبط با	ضعف مدارس در تجهیز به تکنولوژی‌های آموزشی روز و مدرن مورد نیاز	فضای نامناسب کلاس‌ها برای تدریس روش‌های آموزشی مناسب این کتاب و انجام فعالیت‌های تیمی	۸/۳۴	۵
			نگرش تقدیرگرایانه مردم	۵/۱۵	۱۳
	عدم وجود زیرساخت‌های آموزشی مرتبط با	عدم وجود زیرساخت‌های آموزشی مرتبط با		۹/۵۴	۱

۱۴	۵/۲۸	ضعف در گسترش و به‌کارگیری تکنولوژی و فناوری اطلاعات در آموزش و پرورش	کارآفرینی در آموزش و پرورش
۳	۹/۲۶	عدم آشنایی والدین دانش‌آموزان با این درس و مزایای آن، برای ترغیب فرزندانشان به کارآفرینی	الگوهای تربیتی دانش‌آموزان در خانواده
۴	۹/۰۳	تمایل خانواده اکثر دانش‌آموزان به ادامه تحصیل جهت استخدام شدن، نه تحصیل در راستای کارآفرین شدن	
۶	۷/۹۸	عدم تناسب روش‌های تربیتی والدین برای کارآفرین شدن فرزندان	
۹	۷/۳۰	عدم وجود یک کارآفرین موفق به‌عنوان الگوی مناسب در اکثر خانواده‌های دانش‌آموزان	
۷	۸/۱۱	تمرکز بیش‌ازاندازه مدارس بر مباحث نظری به‌جای کار عملی و عادت کردن دانش‌آموزان به این شیوه	بسترسازی ذهنی نامناسب در دانش‌آموزان
۸	۶/۸۶	عدم آمادگی ذهنی دانش‌آموزان برای پذیرش فعالیت کارآفرینانه، به علت مشغله‌های مختلف از جمله کنکور	دانش‌آموزان
۱۰	۶/۵۳	عدم آمادگی دانش‌آموزان (از نظر دانش، نگرش و مهارت) برای آموزش و یادگیری درس کارآفرینی	

(منبع: یافته‌های پژوهش)

ملاحظه می‌شود که سه معیار «ضعف مدارس در تجهیز به تکنولوژی‌های آموزشی روز و مدرن مورد نیاز»، «حاکم بودن جو پزشک- مهندس- وکیل شدن برای دانش‌آموزان شاخه نظری» و «عدم آشنایی والدین دانش‌آموزان با این درس و مزایای آن، برای ترغیب فرزندانشان به کارآفرینی» به ترتیب اولویت اول تا سوم و دارای بالاترین وزن و سه معیار «ضعف در گسترش و به‌کارگیری تکنولوژی و فناوری اطلاعات در آموزش و پرورش»، «نگرش تقدیرگرایانه مردم» و «ضعف فرهنگ ریسک‌پذیری متعادل در جامعه» با کمترین میزان اهمیت در رده‌های انتهایی قرار گرفته‌اند.

در این قسمت، به‌عنوان نمونه به بیان یکی از روایاتی که مفاهیم رتبه‌های ۲ و ۳ و ۴ را در بر می‌گیرد پرداخته شده است:



«بسیاری از دانش‌آموزان شاخه نظری برای ادامه تحصیل در دانشگاه به این شاخه می‌آیند.

وقتی از این دانش‌آموزان می‌پرسیم که چرا به رشته‌های زیرمجموعه این شاخه آمده‌اید؟ در پاسخ می‌گویند: چون می‌خواهم در آینده به من بگویند پزشک! بگویند مهندس! بگویند وکیل! چون کلاس دارد! در شاخه نظری جوی حاکم است که دانش‌آموزان را به سمت کنکور و ادامه تحصیل می‌برد تا اهمیت دادن به درس کارآفرینی که در کنکور تأثیری ندارد و عملاً تغییر این جو موجود بسیار مشکل است. البته یکی از مسبب‌های این موضوع می‌تواند والدین دانش‌آموزان باشد، هنوز والدین دانش‌آموزان فکر می‌کنند که تنها راه موفقیت فرزندان‌شان، ادامه تحصیل در دانشگاه و عبور از سد کنکور است، تنها مسیر موفقیت را داشتن مدارک دانشگاهی می‌دانند، با اینکه خودشان هم می‌بینند این مدارک دانشگاهی در شرایط فعلی منتهی به کار نمی‌شوند. متأسفانه آگاه‌سازی برای والدین اتفاق نیفتاده است و در جلسات اولیا و مربیان تعاملات خوبی صورت نگرفته است. در آموزش این درس، ایده‌آل این است که هر برنامه‌ای که برای دانش‌آموزان گذاشته می‌شود، باید والدین هم همراه آن باشند. متأسفانه به نظر می‌رسد که اکثر والدین، آشنایی چندانی به روندهای موجود ندارند، سرعت زیاد تغییرات باعث شده به این نکته توجه نکنند که راه‌حلی که برای نسل خودشان مناسب بود، لزوماً به درد فرزندان‌شان نخواهد خورد.»

۴- شرایط مداخله‌گر: شرایط مداخله‌گر شامل عواملی است که شدت اثرگذاری شرایط علی و زمینه‌ای را بر کنش‌ها و تعاملات تعدیل می‌کنند؛ به این معنا که تأثیرگذاری عوامل علی و زمینه‌ای را تسهیل می‌کنند یا در این اثرگذاری تداخل ایجاد کرده و نقش مانع را ایفا می‌کنند. از بین مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده در این پژوهش، ۲۱ کد باز و ۱۰ مفهوم در ۲ مقوله جزء شرایط مداخله‌گر قلمداد شدند. به‌منظور اولویت‌بندی هر یک از مفاهیم، از آزمون فریدمن استفاده شد. در جدول ۵ مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها برای شرایط مداخله‌گر و نتیجه به‌دست‌آمده از آزمون فریدمن با درجه آزادی ۹ و اعتبار آزمون ۰/۰۰ مشخص شده است.

جدول ۵- مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با شرایط مداخله‌گر و نتیجه آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی مفاهیم

شماره رتبه	میانگین رتبه	مفهوم	مقوله فرعی	مقوله اصلی	
۱	۷/۸۰	ضعف معلمان در توانایی به‌کارگیری روش‌های تدریس متناسب با اهداف و محتوای کتاب	ضعف در کیفیت آموزش ارائه شده توسط معلمان کارآفرینی	شرایط مداخله‌گر	
۲	۷/۲۸	ضعف معلمان در تیم‌سازی صحیح دانش‌آموزان			
۳	۷/۰۷	عدم آشنایی بسیاری از معلمان با مفاهیم پایه کارآفرینی			
۶	۵/۷۹	عدم توجه معلمان به شرایط و ویژگی‌های روان‌شناختی فراگیران			
۷	۵/۷۵	ضعف در مشاوره شغلی به دانش‌آموزان، متناسب با رشته‌های تحصیلی آنان (ریاضی، تجربی و انسانی)			
۹	۵/۲۴	عدم توانایی معلمان در آشناسازی دانش‌آموزان با مباحث کاربردی (مثل معرفی سازمان‌های حمایتی)			
۱۰	۴/۹۷	ناتوانی معلمان در ایجاد محیطی چالش‌برانگیز، حمایتی و مثبت برای دانش‌آموزان			
۴	۶/۷۷	نگاه دانش‌آموزان به درس کارآفرینی به‌عنوان یک درس معدل‌ساز و تفریحی			نگرش نامناسب دانش‌آموزان نسبت به کارآفرینی
۵	۶/۲۳	توجه دانش‌آموزان به حیطه شناختی و غفلت از حیطه کاربردی و روانی- حرکتی این درس			
۸	۵/۱۵	عدم توجه دانش‌آموز به این درس به خاطر تأثیر نداشتن در کنکور سراسری			
۱۱	۳/۹۵	وجود نگرش بدبینانه دانش‌آموزان به درس کارآفرینی به دلیل شرایط اقتصادی کنونی کشور			

(منبع: یافته‌های پژوهش)

در این خصوص بالاترین اهمیت را در بین مؤلفه‌های مورد بررسی «ضعف معلمان در توانایی به‌کارگیری روش‌های تدریس متناسب با اهداف و محتوای کتاب» به خود اختصاص داده است. به‌عنوان نمونه، در ادامه یکی از روایات مربوط به این مفهوم، آمده است:

«هر درسی، بر یک سری اصول، عوامل و عملکردهای روان‌شناختی و تربیتی، مبتنی است و معلم برای ارائه تدریس موفق و مؤثر، باید درباره این اصول، عوامل و پدیده‌ها، اطلاعات و تجارب عملی کافی داشته باشد که بتواند روش متناسب تدریس را انتخاب کند. بدیهی است که هیچ یک از روش‌های تدریس، روش قطعی و کاملی نیستند و تسلط معلم بر روش‌ها و فنون مختلف آموزشی یکی از ملاک‌های شایستگی معلمان به حساب می‌آید. در آموزش کارگاه کارآفرینی و تولید هر قدر روش تدریس، روشی فعال‌تر باشد، یعنی دانش‌آموز شخصاً فعالیت کند، بفهمد، اختراع کند و یا اختراعی را بازسازی کند، اثربخشی بیشتری ایجاد می‌شود. معلم‌ها باید از کتاب حاضر فقط به عنوان یک چارچوب استفاده کنند که این خود نقش اساسی معلم در تدریس درس مذکور را نشان می‌دهد، یعنی معلم با استفاده از روش‌های تدریس مختلف موقعیت آموزشی را چنان فراهم و آماده کند، که دانش‌آموزان شخصاً فعالیت کنند. معلم‌های ما نباید درس کارآفرینی را مانند درس‌های دیگر شاخه نظری فقط با روش سخنرانی تدریس کنند، که متأسفانه به علت‌های مختلف، بسیاری از معلمان این درس، توانایی کافی برای استفاده از روش‌های تدریس مناسب آن را ندارند که این خود یکی از معضلات بزرگی است که در آموزش کارگاه کارآفرینی و تولید با آن روبه‌رو هستیم.»

همچنین یکی از روایات مربوط به مفهوم با رتبه سوم را در زیر می‌بینیم:

«هنوز معلم‌ها و مسئولین ما فکر می‌کنند که کارآفرینی یعنی سود، یعنی فقط پول درآوردن؛ در صورتی کارآفرینی یعنی ارزش‌آفرینی، یعنی حل مشکل، یعنی نوآوری برای خلق ارزش؛ به همین خاطر چون فکر می‌کنند که کارآفرینان فقط به دنبال سود هستند، که تفکر غلطی است، در مقابل آموزش کارآفرینی جبهه می‌گیرند و برای آموزش اثربخش تلاش لازم را انجام نمی‌دهند.»

**۵- کنش‌ها و تعاملات:** در یک زمینه و با شرایط مداخله‌گر مشخص، مجموعه مشخصی از کنش‌ها، تعاملات یا اقدامات امکان‌پذیر در راستای پدیده محوری ارائه می‌شود. در این پژوهش، ۲۷ کد باز و ۱۳ مفهوم در ۵ مقوله به شرح جدول ۶، جزء کنش‌ها و تعاملات ناشی از پدیده محوری قلمداد شدند. بررسی این موضوع که آیا عوامل متشکله این بخش دارای اولویت یکسانی هستند یا خیر نشان می‌دهد که این مفاهیم از تفاوت معناداری در اولویت‌بندی

برخوردارند؛ چراکه اعتبار آزمون فریدمن با درجه آزادی ۱۲ برابر با ۰/۰۰ است و بدان معناست که رتبه عوامل یکسان نبوده است و می‌توان بین آن‌ها تمایز قائل شد.

جدول ۶- مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با کنش‌ها و تعاملات و نتیجه آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی مفاهیم

شماره رتبه	میانگین رتبه	مفهوم	مقوله	مقوله اصلی
۳	۷/۸۲	ارائه تسهیلات و حمایت مادی و غیرمادی ضعیف به دانش‌آموزان کارآفرین	عملکرد ضعیف آموزش و پرورش در حمایت از درس کارگاه	کنش‌ها و تعاملات
۴	۷/۷۲	عدم استفاده مؤثر از ظرفیت جلسات انجمن اولیا و مربیان برای آگاه‌سازی والدین	کارگاه کارآفرینی و تولید	
۱۳	۵/۶۷	عدم ایجاد غرفه‌های مربوط به فروش محصولات تولید شده دانش‌آموزان، جشنواره‌ها و مسابقات خلاقیت به‌طور گسترده در سطح همه مدارس	برگزاری دوره‌های ضمن خدمت نامناسب	
۸	۶/۸۰	عدم استمرار و برنامه‌ریزی مناسب در برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت برای معلمان	تأمین معلمان درس کارآفرینی به شیوه نامناسب	
۱۰	۵/۸۴	ضعف در به‌کارگیری نیروهای متخصص دانشگاهی در حوزه کارآفرینی و افراد کارآفرین جهت تدریس به معلمان	تبلیغات نامناسب و مغایر با توسعه فرهنگ کارآفرینی در	
۱	۸/۶۴	استفاده از معلمان دارای سابقه تدریس کارآفرینی در شاخه‌های کاردانش و فنی و حرفه‌ای	توجه بیش‌ازحد صداوسیما به‌عنوان مهم‌ترین رسانه گروهی کشور به تبلیغات کنکور در طول شبانه‌روز و تأثیر منفی بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به کارآفرینی	
۲	۸/۴۹	ضعف در به‌کارگیری فارغ‌التحصیلان رشته کارآفرینی و دارای شرایط لازم برای تدریس این درس	توجه اندک رسانه‌های گروهی به‌خصوص صداوسیما به ترویج کارآفرینی در	
۵	۷/۵۶	استفاده از معلمان درس‌های غیر مرتبط که کسری ساعت دارند به‌عنوان معلم کارآفرینی		
۷	۷/۴۰	توجه بیش‌ازحد صداوسیما به‌عنوان مهم‌ترین رسانه گروهی کشور به تبلیغات کنکور در طول شبانه‌روز و تأثیر منفی بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به کارآفرینی		
۱۱	۵/۷۸	توجه اندک رسانه‌های گروهی به‌خصوص صداوسیما به ترویج کارآفرینی در		

مقوله اصلی	مقوله	مفهوم	میانگین رتبه	شماره رتبه
	رسانه‌های ارتباط جمعی	ضعف در استفاده از ظرفیت فضای مجازی جهت ترویج کارآفرینی و ترغیب دانش‌آموزان به کارآفرینی	۵/۶۳	۱۲
	ضعف در استفاده از روش‌های مناسب	عدم تطابق ارزشیابی از درس کارآفرینی با اهداف آموزشی از پیش تعیین‌شده برای این درس	۷/۴۲	۶
	ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان	توجه بیشتر به آزمون کتبی تا فعالیت‌های عملی دانش‌آموزان از سوی مدارس	۶/۲۱	۹

(منبع: یافته‌های پژوهش)

مهم‌ترین مفهوم مورد تأکید، «استفاده از معلمانی با سابقه تدریس کارآفرینی در شاخه کاردانش و فنی حرفه‌ای» بوده است. برای نمونه یکی از روایات مربوط به این مفهوم بدین صورت است:

«زمانی که ما می‌خواهیم هر فعالیتی را برای اولین بار آغاز کنیم، باید این سؤال را از خود بپرسیم که نیروی متخصص لازم، جهت اجرای اثربخش فعالیت مورد نظر را چگونه تأمین کنیم؟ بخصوص برای آموزش و پرورش و تدریس یک کتاب جدید که موفقیت و پیشرفت آن به صورت مستقیم به کیفیت نیروی انسانی آن بستگی دارد. بعد از اینکه کتاب مذکور در تعدادی از مدارس به کارگرفته شد، برای تأمین نیروی متخصص آموزشگر، اولویت را به معلمانی دادند که سابقه تدریس درس کارآفرینی را در شاخه کاردانش و فنی حرفه‌ای داشتند. غافل از اینکه محتوای کتاب، اهداف و ویژگی‌های شاخه تحصیلی و شرایط دانش‌آموزان شاخه نظری با این دو شاخه کاملاً متفاوت است. البته در مقام قیاس این را نیز باید بیان کرد که استفاده از این معلمان بسیار مناسب‌تر از معلمان درس‌های دیگر است که کسری ساعت دارند و هم‌اکنون در تعداد محدودی از مدارس به کار گرفته شده‌اند.»

۶- پیامدها: پیامدها، بروندها یا نتایج کنش و واکنش هستند و اغلب با تمرکز بر سؤالاتی مانند «چه اتفاق می‌افتد اگر...» و یا «چه اتفاق نمی‌افتد اگر...» شناسایی می‌شوند. از بین مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده در این پژوهش، ۲۱ کد باز و ۷ مفهوم در ۲ مقوله، جزء پیامدها قلمداد شدند که به شرح جدول ۷ نشان داده شده است. نتایج آزمون فریدمن نشان‌دهنده آن است که مفاهیم تشکیل‌دهنده پیامدها از تفاوت معناداری در اولویت‌بندی برخوردارند، چرا که اعتبار آزمون فریدمن با درجه آزادی ۶ برابر با ۰/۰۰ است و بدان معناست که رتبه عوامل یکسان نبوده و می‌توان بین آن‌ها تمایز قائل شد.

جدول ۷- مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با پیامدها و نتیجه آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی مفاهیم

شماره رتبه	میانگین رتبه	مفهوم	مقوله	مقوله اصلی
۱	۴/۶۴	توانمندی پایین دانش‌آموزان در ایجاد کسب‌وکار و تمایل بیشتر به ادامه تحصیل	کوتاه‌مدت	توسعه
۲	۴/۵۹	عدم ایجاد انگیزه و علاقه در خانواده‌ها و دانش‌آموزان برای اقدامات کارآفرینانه		
۵	۳/۶۵	تمایل شدید به استخدام دولتی و اهمیت کم به کارآفرینی		
۳	۴/۴۷	اشتغال‌زایی پایین	بلندمدت	
۴	۳/۹۵	عدم شکوفایی اقتصادی، ارزش‌آفرینی و ثروت‌آفرینی		
۶	۳/۲۱	کاهش رضایت و رفاه اجتماعی		
۷	۳/۴۷	گسترش فقر و فاصله طبقاتی در جامعه		

(منبع: یافته‌های پژوهش)

همچنان که در جدول مشخص است، «توانمندی پایین دانش‌آموزان در ایجاد کسب‌وکار و تمایل بیشتر به ادامه تحصیل» نسبت به سایر پیامدهای شناسایی شده، امتیاز بالاتری را به دست آورده است. به‌عنوان نمونه، روایت یکی از مشارکت‌کنندگان در مورد این مفهوم به‌صورت زیر است:

«آموزش کارآفرینی در نظام‌های آموزشی پیشرفته مثل اروپا و آمریکا جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا تنها آموزش سطحی منابع درسی پایه به دانش‌آموزان، نمی‌تواند آنان را برای زندگی در آینده آماده کند. برای پرورش نسلی کارآمد که بتواند آینده روشنی را برای کشور رقم زند، باید به فکر راه‌های افزایش مهارت‌های کارآفرینی افراد در فرآیند تعلیم و تربیت بود. هرچند در حال حاضر آموزش کارآفرینی در شاخه نظری به صورت ایده‌آل انجام نمی‌گیرد و در پایان سال تغییرات قابل رؤیتی در دانش‌آموزان مشاهده نمی‌شود، به طوری که اکثر دانش‌آموزان همچنان برای ورود به دنیای کسب‌وکار سردرگم هستند و نمی‌دانند از کجا باید شروع کنند و تنها مسیر پیش رو را کنکور و ادامه تحصیل در دانشگاه می‌بینند؛ ولی با تمام این مشکلات باز هم امیدواریم در سال‌های آینده و با کاهش مشکلات موجود، این درس بتواند حداقل به افرادی که استعدادهای نهفته کارآفرینی دارند، بینش، انگیزه و جرأت ورود به دنیای کسب‌وکار را بدهد.»

### ج) کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی مرحله نهایی نظریه‌پردازی است. در کدگذاری انتخابی مقوله اصلی را به شکل نظام‌مند، به دیگر طبقه‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند اصلاح می‌کند. در این مرحله پژوهشگر بر حسب فهم خود از متن پدیده مورد مطالعه، یا چارچوب مدل پارادایم را به صورت روایتی عرضه می‌کند یا مدل پارادایم را به هم می‌ریزد و به صورت ترسیمی نظریه نهایی را نشان می‌دهد. مقوله‌های زیر نتیجه کدگذاری انتخابی مربوط به پدیده اثربخشی پایین آموزش درس کارگاه کارآفرینی و تولید است:



جدول ۸- مراحل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی

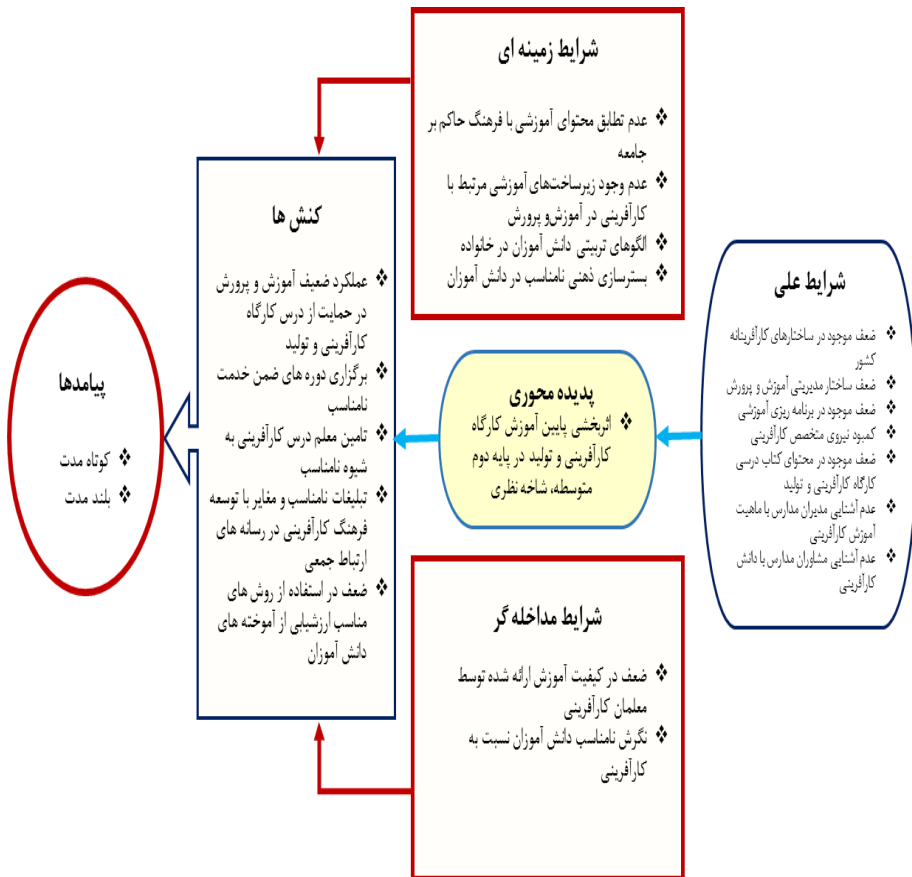
کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
اثر بخشی پایین آموزش درس کارگاه کارآفرینی و تولید	شرایط عالی	ضعف موجود در ساختارهای کارآفرینانه کشور
		ضعف ساختار مدیریتی آموزش و پرورش
		ضعف موجود در برنامه ریزی آموزشی
		کمبود نیروی متخصص کارآفرینی
		ضعف موجود در محتوای کتاب درسی کارگاه کارآفرینی و تولید
		عدم آشنایی مدیران مدارس با ماهیت آموزش کارآفرینی
		عدم آشنایی مشاوران مدارس با دانش کارآفرینی
	شرایط زمینه‌ای	عدم تطابق محتوای آموزشی با فرهنگ حاکم بر جامعه
		عدم وجود زیرساخت‌های آموزشی مرتبط با کارآفرینی در آموزش و پرورش
		الگوهای تربیتی دانش‌آموزان در خانواده
		بسترسازی ذهنی نامناسب در دانش‌آموزان
	شرایط مداخله‌گر	ضعف در کیفیت آموزش ارائه شده توسط معلمان کارآفرینی
		نگرش نامناسب دانش‌آموزان نسبت به کارآفرینی
	کنش‌ها	عملکرد ضعیف آموزش و پرورش در حمایت از درس کارگاه کارآفرینی و تولید
		برگزاری دوره‌های ضمن خدمت نامناسب
		تأمین معلمان درس کارآفرینی به شیوه نامناسب
		تبلیغات نامناسب و مغایر با توسعه فرهنگ کارآفرینی در رسانه‌های ارتباط جمعی
		ضعف در استفاده از روش‌های مناسب ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان
	پیامدها	کوتاه‌مدت
		بلندمدت



اثربخشی پایین آموزش درس کارگاه کارآفرینی و تولید به‌عنوان یک پدیده اصلی از ضعف موجود در ساختارهای کارآفرینانه کشور، ضعف ساختار مدیریتی آموزش و پرورش، ضعف موجود در برنامه‌ریزی آموزشی، کمبود نیروی متخصص کارآفرینی، ضعف موجود در محتوای کتاب درسی کارگاه کارآفرینی و تولید، عدم آشنایی مدیران مدارس با ماهیت آموزش کارآفرینی و عدم آشنایی مشاوران مدارس با دانش کارآفرینی منبث می‌شود. به سبب این دلایل، پایین بودن اثربخشی آموزش کارگاه کارآفرینی و تولید اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. کنش‌های نشأت گرفته از اثربخشی پایین آموزش درس کارگاه کارآفرینی و تولید شامل عملکرد ضعیف آموزش و پرورش در حمایت از درس کارگاه کارآفرینی و تولید، برگزاری دوره‌های ضمن خدمت نامناسب، تأمین معلمان درس کارآفرینی به شیوه نامناسب، تبلیغات نامناسب و مغایر با توسعه فرهنگ کارآفرینی در رسانه‌های ارتباط جمعی و ضعف در استفاده از روش‌های مناسب ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان است. این کنش‌ها تحت تأثیر شرایط خاصی چون عدم تطابق محتوای آموزشی با فرهنگ حاکم بر جامعه، عدم وجود زیرساخت‌های آموزشی مرتبط با کارآفرینی در آموزش و پرورش، الگوهای تربیتی دانش‌آموزان در خانواده و عدم بسترسازی ذهنی مناسب در دانش‌آموزان رخ می‌دهد و توسط عواملی مانند ضعف در کیفیت آموزش ارائه شده معلمان کارآفرینی و نگرش نامناسب دانش‌آموزان نسبت به کارآفرینی تشدید می‌شود. دانش‌آموزان بدون در نظر گرفتن نیازهای جامعه صرفاً می‌خواهند وارد دانشگاه‌ها شوند و درس کارآفرینی برای آن‌ها تنها جنبه تفریحی و معدل‌ساز دارد و از سوی دیگر معلمانی که درس کارگاه کارآفرینی و تولید را تدریس می‌کنند به دلیل عدم توانایی در تدریس این درس، قادر نیستند موجبات تغییر در دیدگاه، تقویت کار تیمی و تقویت تفکر عمیق و انتقادی دانش‌آموزان را فراهم نمایند. درنهایت همه این عوامل موجب پیامدهای کوتاه‌مدتی مانند توانمندی پایین دانش‌آموزان در ایجاد کسب‌وکار و تمایل بیشتر به ادامه تحصیل، عدم ایجاد انگیزه و علاقه در خانواده‌ها و دانش‌آموزان برای اقدامات کارآفرینانه، تمایل شدید به استخدام دولتی و اهمیت کم به کارآفرینی از سوی دانش‌آموزان و والدین آن‌ها و در بلندمدت اشتغال‌زایی پایین، عدم شکوفایی اقتصادی، ارزش‌آفرینی و ثروت‌آفرینی و کاهش رضایت و رفاه اجتماعی و افزایش فقر می‌شوند.

## بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به تحلیل موانع آموزش اثربخش درس «کارگاه کارآفرینی و تولید» در پایه دوم متوسطه نظری پرداخته شد و از روش تحقیق نظریه بنیانی برای شناسایی موانع آموزش اثربخش و از آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی مفاهیم شناسایی شده، بهره گرفته شد. در این پژوهش شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر برای اثربخشی پایین آموزش «کارگاه کارآفرینی و تولید» تبیین شده و کنش‌ها و پیامدها نیز در الگوی پارادایمی زیر ارائه گردیده است (شکل ۱).



شکل ۱- مدل اثربخشی پایین آموزش درس کارگاه کارآفرینی و تولید (منبع: یافته‌های پژوهش)

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اساسی‌ترین عواملی که باعث پایین آمدن اثربخشی درس کارگاه کارآفرینی و تولید می‌شود ضعف موجود در ساختارهای کارآفرینانه کشور، ضعف ساختار مدیریتی آموزش و پرورش، ضعف موجود در برنامه‌ریزی آموزشی، کمبود نیروی متخصص کارآفرینی، ضعف موجود در محتوای کتاب درسی، عدم آشنایی مدیران مدارس با ماهیت آموزش کارآفرینی و عدم آشنایی مشاوران مدارس با دانش کارآفرینی است. این یافته‌ها با نتایج مطالعات رحمانیان کوشککی، چیدری و عباسی (۱۳۹۵)، آن‌آچوکو (۲۰۰۹)، و حقیقی، محمودی و بیژنی (۲۰۱۸) هم‌راستا است. رحمانیان کوشککی، چیدری و عباسی (۱۳۹۵) بیشتر بر ضعف خدمات مشاوره‌ای و حمایتی، ضعف شناخت قوانین مالی و مدیریتی و ضعف برنامه‌ریزی آموزشی تأکید کرده‌اند. آن‌آچوکو (۲۰۰۹) نیاز به یک چارچوب سیاست‌گذاری مشخص را بیان کرده است، حقیقی، محمودی و بیژنی (۲۰۱۸) نیز بر ضعف در برنامه‌ریزی آموزشی را تأکید کرده‌اند.

این پدیده در شرایط زمینه‌ای خاص و عوامل مداخله‌گری که با تأثیر بر کنش‌های صورت گرفته، موجب تشدید اثربخشی پایین آن می‌شود، رخ می‌دهد که در این پژوهش به صورت موردی، با برخی از آثار پیشین همخوانی و تفاوت‌هایی دارد. هرکدام از پژوهش‌های رضوی، فلاح حقیقی، رضوانفر و کلانتری (۱۳۹۱)، محمدزاده و صدیقی (۱۳۹۴)، حسینی‌نیا و موسوی (۱۳۹۷)، یعقوبی (۲۰۱۰)، لیما، لوپز، ماریا، نیسيف و داسیلوا (۲۰۱۲) و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۱۶)، به قسمتی از موانع شناسایی شده در این پژوهش اشاره کرده‌اند. در پژوهش حاضر علاوه بر همخوانی با نتایج پژوهش‌های نام برده شده بر ضعف در الگوهای تربیتی دانش‌آموزان در خانواده، عدم بسترسازی ذهنی مناسب در دانش‌آموزان نیز تأکید شده است.

در نهایت نتایج پژوهش نشان داد که اثربخشی پایین آموزش کارآفرینی موجب ایجاد پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌شود که شامل توانمندی پایین دانش‌آموزان در ایجاد کسب‌وکار، عدم ایجاد انگیزه و علاقه در خانواده‌ها و دانش‌آموزان برای اقدامات کارآفرینانه و در بخش بلندمدت اشتغال‌زایی پایین، عدم شکوفایی اقتصادی و کاهش رضایت و رفاه اجتماعی می‌شود.



- بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، پیشنهادهایی راهبردی برای بهبود وضعیت آموزش کارگاه کارآفرینی و تولید به شرح زیر ارائه می‌گردد:
- تقویت اکوسیستم کارآفرینی کشور: اصلاحات ساختاری و نهادی برای توسعه کارآفرینی، تقویت چارچوب مقرراتی و زیرساختی حمایت‌کننده از کارآفرینان، ایجاد دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش کارآفرینی، ارائه تسهیلات به کارآفرینان.
  - برنامه‌ریزی آموزشی کارآفرین محور برای مدارس: شروع آموزش کارآفرینی از دوره ابتدایی، پیگیری درس کارآفرینی در پایه‌های بالاتر، تدریس درس کارآفرینی به صورت الزامی در تمامی مدارس، تدوین اهداف و محتوای آموزشی بر اساس نیازهای دانش‌آموزان و جامعه.
  - ارائه خدمات حمایتی به دانش‌آموزان کارآفرین: افزایش پارک‌های کارآفرینی مختص دانش‌آموزان، حمایت فنی و اقتصادی از تیم‌های کسب‌وکار دانش‌آموزی، کشف، ارزیابی و سنجش استعدادهای کسب‌وکار و کارآفرینی دانش‌آموزان، ایجاد غرفه‌های مخصوص فروش محصولات تولیدشده به وسیله دانش‌آموزان در مدارس، برگزاری جشنواره‌ها و مسابقات خلاقیت و نوآوری برای دانش‌آموزان.
  - بسترسازی مناسب در آموزش و پرورش: فرهنگ‌سازی در میان مسئولان و مدیران آموزش و پرورش، شرکت تمامی معلمان دروس مختلف در کارگاه‌های کارآفرینی، آگاه‌سازی والدین دانش‌آموزان نسبت به کارآفرینی و مزایای آن، به‌کارگیری نیروهای متخصص کارآفرینی (فارغ‌التحصیلان رشته‌های مرتبط با کارآفرینی) در سازمان آموزش و پرورش، استخدام مشاوران تحصیلی با اندیشه کارآفرین در مدارس، فراهم کردن ابزارها و تکنولوژی‌های آموزشی مناسب تدریس اثربخش کارآفرینی، اختصاص فضای مناسب در مدارس برای تدریس کارآفرینی.
  - تقویت دوره‌های آموزش ضمن خدمت کارآفرینی: استفاده از نیروی متخصص دانشگاهی در حوزه کارآفرینی جهت تدریس به معلمان، برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت عملی برای معلمان، تدوین کتاب راهنمای معلم مناسب.

- استفاده از روش‌های تدریس اثربخش توسط معلمان: حرکت از آموزش محتوا محور به مسئله محور و نگرش محور، استفاده از تکنیک‌های تقویت تفکر واگرا در فراگیران، تدریس تعاملی و دوطرفه بین معلم و دانش‌آموز، آموزش از طریق بازدید از کسب‌وکارها، آموزش از طریق دعوت و مصاحبه با کارآفرینان موفق دنیای واقعی، معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری، نیازهای بازار، مشتریان، کارفرمایان و بخش‌های مختلف اقتصادی و خدماتی.

### منابع

- آراستی، زهرا، حیدری، هومان و مبارکی، محمد حسن (۱۳۹۳). ارزیابی اثربخشی روش آموزش کارآفرینی «سخنرانی میهمان» (مورد مطالعه: دانشجویان دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران)، توسعه کارآفرینی، شماره ۲۵، ۳۸۹-۴۰۶.
- استراوس، انسلم، کریبن، جولیت (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی - فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- استیری، عالیبه (۱۳۸۹). ضرورت بسترسازی آموزش کارآفرینی در دوره ابتدایی و تبیین عناصر برنامه درسی برای آن (پایان نامه ارشد)، دانشگاه الزهراء.
- حسینی‌نیا، غلامحسین و موسوی، سیدشمس‌الدین (۱۳۹۷). آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها، روش‌ها و چالش‌ها، نامه آموزش عالی، سال ۱۱، شماره ۴۱، ۸۸-۵۹.
- خسروی‌پور، بهمن و سلیمان‌پور، محمدرضا (۱۳۹۰). شناسایی و تحلیل ویژگی‌های فردی مؤثر بر توانمندی کارآفرینانه، همایش ملی توسعه کارآفرینی در آموزش‌های علمی کاربردی کشاورزی، مشهد، موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی.
- رحمانیان‌کوشکچی، مهدی، چیدری، محمد و عباسی، عنایت (۱۳۹۵). تحلیل موانع فراروی آموزش‌های کارآفرینی در مراکز آموزش علمی کاربردی کشاورزی، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال ۷، شماره ۲، ۱۳۲-۱۱۱.
- رستمی، فرحناز، علی‌آبادی، وحید، پاپ‌زن، عبدالحمید (۱۳۹۳). مدل‌سازی پایداری در نظام‌های بهره‌برداري زراعی - خانوادگی مبتنی بر کشت مخلوط بر اساس تئوری بنیانی (مورد مطالعه: بخش فیروزان)، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳، ص ۳۸۲-۳۷۳.



رضوی، سیدمصطفی، فلاح حقیقی، نگین، رضوانفر، احمد و کلانتری، خلیل (۱۳۹۱). تحلیل موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران (از دیدگاه دانشجویان)، فصلنامه مدیریت دولتی، دوره ۴، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۱، صفحه ۵۹-۷۸.

رنجبر، هادی، حق دوست، علی اکبر، مهوش، صلصالی، علیرضا، خوشدل، سلیمانی، محمدعلی و بهرامی، نسیم (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۰، شماره ۳ صفحات ۲۳۸ تا ۲۵۰.

عارفی، محبوبه، فتحی‌واجارگاه، کوروش و نساج، سعیده (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی برنامه درسی کارآفرینی شاخه کار دانش آموزش متوسطه، فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، دوره ۲، شماره ۴، ۴۷-۷۹.

محمدزاده، لطیف، صدیقی، حسن (۱۳۹۴). شناسایی موانع آموزش کارآفرینی در مراکز آموزش کشاورزی (مطالعه موردی: مرکز آموزش کشاورزی شهرستان میان‌دوآب)، کارآفرینی و کشاورزی، سال ۲، شماره ۳، ۴۳-۵۰.

مرتضی‌نژاد، نیلوفر، عطاران، محمد، حسینی‌خواه، علی و عباسی، غفت (۱۳۹۶). بررسی عناصر طراحی برنامه درسی کارآفرینی براساس رویکرد تطبیقی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، سال یازدهم، شماره ۴۴، بهار ۱۳۹۶، ۴۹-۸۰.

Arasti, Z., Kiani, M. & Imanipour, N. (2012). A Study of Teaching Methods in Entrepreneurship Education for Graduate students. *Higher Education Studies*, 2 (1), 1-9.

Byun, C. G., Sung, C., Park, J., & Choi, D. (2018). A Study on the Effectiveness of Entrepreneurship Education Programs in Higher Education Institutions: A Case Study of Korean Graduate Programs. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 4 (3), 26.

Corbin, J. & Struss, A. (1990). Grounded Theory Research: Procedures, Canons, and Evaluative Criteria, *Qualitative Sociology*, 13 (1), 3-21.

Corbin, J. (2004); "To Learn to Think Conceptually"; In Conversation with Cesar A. Cisneros-Puebla. Forum: Qualitative Social Research [on-line Journal], Available <http://www.qualitative-research.net/fqs>.

Cotoi, I., Bodoasca, T. & Lucia, C. (2011). Entrepreneurship European development strategy in field of education procedia, *social and behavioral science*. 15, 3490-3494.

Creswell, J. W. (2005), Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research (2nd edition).

- Glaser, B. and A. Strauss (1978); the Discovery of Grounded Theory; Chicago: Aldine.
- Güven, S. (2009). New primary education course programmes and entrepreneurship, *procedial*, 1, 263-270.
- Haghighi, N. F., Mahmoudi, M., & Bijani, M. (2018). Barriers to Entrepreneurship Development in Iran's Higher Education: A Qualitative Case Study. *Interchange*, 49 (3), 353-375.
- Hahn, J. H., & Ko, U. J. (2007). Comparative Study of Entrepreneurship Programs in the Graduate Schools of Korea and the US. *The Journal of Vocational Education Research*, 26 (2), 105-131.
- Johannisson, B. (1991), University training for entrepreneurship: a Swedish approach, *Entrepreneurship and Regional Development*, 3 (1), 67-82.
- Jung, J. S., & Min, K. S. (2008). The Present Conditions and Improvement of Entrepreneurship Education Program-Focused on Educational Course In Graduate School of Entrepreneurship. *Asia-Pacific Journal of Business Venturing and Entrepreneurship*, 3 (2), 1-29.
- Karimi, S., Chizari, M., Biemans, H. J. A., & Mulder, M. (2010). Entrepreneurship education in iranian higher education: The current state and challenges. *European Journal of Scientific Research*, 48 (1), 35-50.
- Kirkley, W.W. (2017). Cultivating entrepreneurial behavior: entrepreneurship education in secondary schools, *Asia Pacific Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 11 (1), 17-37.
- Lepuschitz, W., Koppensteiner, G., Leeb-Bracher, U., Hollnsteiner, K. & Merdan, M. (2018). Educational Practices for Improvement of Entrepreneurial Skills at Secondary School Level, Paper, Vol 8, No 2, 101- 114.
- Lima, E., Almeida Lopes, R.M., Maria, V., Nassif, J. & da Silva, D. (2012). Opportunities to improve entrepreneurship education in higher education: Addressing Brazilian challenges. *Proceedings of the congress of the International Council of Small Business, New Zealand, June 2012*.
- Maresch, D., Harms, R., Kailer, N. & Wimmer-Wurm, B. (2016). The impact of entrepreneurship education on the entrepreneurial intention of students in science and engineering versus business studies university programs, *Technological Forecasting & Social Change*, 104 (C), pp. 172-179, 2016.
- Martin, P. Y., & Turner, B. A. (1986). Grounded theory and organizational research. *The Journal of Applied Behavioral Science*, 22 (2), 141-157.
- OECD. (2016). Promoting and supporting graduate entrepreneurship in higher education: A synthesis of results from OECD Case Studies in

- Eastern Germany. Retrieved May 21 2017, from <http://www.oecd.org/cfe/leed/synthesis-report-east-Germany.pdf>.
- Osulivan, S., (2008), Research Method in the social and behavioral science.
- Potishuk, V. & Kratzer, J. (2017). Factors affecting entrepreneurial intentions and entrepreneurial attitudes in higher education, *Journal of Entrepreneurship Education*, 20 (1), 25-44.
- Sana, H. & Anderson, A. (2010). Institutions and the shaping of different forms of entrepreneurship. *Journal of Socio-Economics* 39, 436-444.
- Setiawan j. I. (2013). examining entrepreneurial self- rfficacy among students *procedia-social behavioral science*, 115, 235-242.
- Shane, S., & Venkataraman, S. (2000). The promise of entrepreneurship as a field of research. *Academy of Management Review*, 25, 217-226.
- Shane, S., Edward, E. & Cheltneham, U. K. (2003). A General Theory of Entrepreneurship: The Individual-Opportunity Nexus, *International Small Business Journal*, 22 (2), 206- 216.
- Strauss, A. and J. Corbin (1998); *Basics of Qualitative Research; Grounded Theory Procedures and Techniques* (2nd ed.), Thousand Oaks, CA: Sage.
- Unachukwu, G. O. (2009) Issues and Challenges in the Development of Entrepreneurship Education in Nigeria, *An International Multi-Disciplinary Journal*, 3 (5), 213-226.
- Yaghoubi, J. (2010). Study barriers to entrepreneurship promotion in agriculture higher education. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2 (2), 1901-1905.